

تحلیل و بررسی موقعیت طلبکاران با وثیقه در برابر طلبکاران ممتاز

فاطمه شریفی

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

چکیده

در مقاله حاضر به تحلیل و بررسی «موقعیت طلبکاران با وثیقه در برابر طلبکاران ممتاز» پرداخته شده است. در شرایط عدم کفاف اموال مدیون برای تأدیه کلیه دیون، تعارض منافع میان طلبکاران با وثیقه که دارای حق عینی تبعی بر مال مدیون هستند و طلبکاران ممتاز که به موجب قانون یا شرع از امتیاز تقدم در وصول طلب برخوردارند، از مسائل چالش‌برانگیز در نظام حقوقی و فقهی است. هدف این تحقیق، تبیین مبانی فقهی و حقوقی اولویت‌بندی این دو گروه از طلبکاران، تحلیل موارد تعارض و ارائه راهکارهایی برای حل آن است. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای فقهی و حقوقی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هم در فقه امامیه و هم در حقوق ایران، اصل تقدم حق مرتبه بر سایر دیون (به استثنای برخی حقوق عینی مقدم یا حقوق ممتاز خاص) پذیرفته شده است؛ با این حال، موارد و قلمرو این تقدم در هر دو نظام، تفاوت‌هایی دارد. از سوی دیگر، فقه و حقوق به برخی طلبکاران، به دلایل مصلحت عمومی یا حمایت از اقشار خاص، امتیازاتی قائل شده‌اند. این مقاله با بررسی مصادیق و مبانی امتیازات، به مقایسه دیدگاه‌های فقهی و مقررات حقوقی موجود در خصوص نحوه تعامل و ترتیب تقدم میان طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز می‌پردازد. در نهایت، ضمن ارائه یک تحلیل مقایسه‌ای، بر هماهنگ‌سازی بیشتر میان موازین فقهی و قوانین حقوقی به منظور تضمین عدالت و کارایی در فرآیند وصول مطالبات تأکید شده است.

واژگان کلیدی: طلبکاران با وثیقه، طلبکاران ممتاز، فقه، حقوق، اولویت، تعارض، ورشکستگی، تصفیه.

۱. مقدمه

در نظام‌های حقوقی و فقهی، مسئله وصول دیون و حمایت از حقوق بستانکاران از بنیادی‌ترین مباحث به شمار می‌رود. هنگامی که اموال مدیون برای تأدیه تمامی دیون وی کفایت نمی‌کند، چالش تعیین اولویت میان طلبکاران مختلف، به ویژه میان طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز، از پیچیده‌ترین مسائل حقوقی و فقهی است. طلبکاران با وثیقه، کسانی هستند که برای تضمین وصول طلب خود، مالی را به عنوان وثیقه (مانند رهن) در اختیار دارند و حق عینی تبعی بر آن مال پیدا می‌کنند. در مقابل، طلبکاران ممتاز، اشخاصی هستند که به موجب نص قانونی یا قواعد فقهی، طلبشان به دلیل ماهیت خاص خود (مانند مطالبات کارگران، مهریه، نفقه، یا برخی مطالبات دولتی) از امتیاز تقدم در وصول، حتی بدون وجود وثیقه، برخوردار است.

تعارض میان این دو گروه از طلبکاران، به ویژه در شرایطی چون ورشکستگی مدیون یا فوت او، می‌تواند منجر به تضییع حقوق برخی از آنان شده و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی در پی داشته باشد. نظام‌های حقوقی و فقهی مختلف، رویکردهای متفاوتی را برای حل این تعارض اتخاذ کرده‌اند که هر یک مبانی و آثار خاص خود را دارند. لذا، بررسی دقیق جایگاه فقهی و حقوقی هر یک از این دو دسته از طلبکاران و تبیین ضوابط حاکم بر اولویت‌بندی آن‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین لازم است به این سئوالات پاسخ داده شود که مبانی فقهی و حقوقی حاکم بر تعیین اولویت طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز چیست؟ در نظام فقهی و حقوقی ایران، کدام دسته از طلبکاران (با وثیقه یا ممتاز) در صورت عدم کفاف اموال مدیون، از حق تقدم برخوردارند و قلمرو این حق تقدم تا کجاست؟ در صورت تعارض میان حقوق طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز، فقه و حقوق ایران چه راهکارهایی را برای حل این تعارضات ارائه می‌دهند؟

اهمیت این تحقیق را می‌توان از ابعاد گوناگونی مورد توجه قرار داد: نخست، از منظر اقتصادی و اجتماعی، تعیین تکلیف روشن در خصوص اولویت‌بندی طلبکاران، به افزایش امنیت سرمایه‌گذاری و تسهیل اعطای اعتبارات کمک می‌کند. بانک‌ها و مؤسسات مالی، در گروه‌های اصلی طلبکاران با وثیقه قرار می‌گیرند و وضوح قوانین به آن‌ها در ارزیابی ریسک و ارائه تسهیلات یاری می‌رساند. از سوی دیگر، حمایت از حقوق طبقات خاصی از طلبکاران نظیر کارگران، که در زمره طلبکاران ممتاز قرار می‌گیرند، ابعاد عدالت اجتماعی موضوع را پررنگ‌تر می‌سازد. دوم، از منظر قانون‌گذاری و قضایی، وجود مقررات صریح و رویه قضایی یکسان در این زمینه، از بروز دعاوی متعدد جلوگیری کرده و به حل و فصل سریع‌تر اختلافات کمک می‌کند. عدم وضوح در قوانین می‌تواند به سردرگمی حقوقی و نشت اعتماد در مبادلات اقتصادی منجر شود. سوم، از بعد علمی و نظری، این پژوهش با تطبیق و تحلیل دیدگاه‌های فقهی و مقررات حقوقی موجود در ایران، به غنای مباحث حقوق خصوصی اسلامی و شناسایی نقاط قوت و ضعف هر دو نظام می‌پردازد و راه را برای تحقیقات آتی و اصلاحات احتمالی هموار می‌سازد. در نهایت، با توجه به نیاز روزافزون به تبیین دقیق احکام فقهی در بستر قوانین جاری، این مطالعه می‌تواند به پر کردن خلاءهای نظری و عملی در این حوزه کمک شایانی کند.

۲. تعریف مفاهیم اصلی

برای ورود به بحث و تحلیل عمیق موضوع موقعیت طلبکاران با وثیقه در برابر طلبکاران ممتاز، ابتدا لازم است مفاهیم بنیادین و کلیدی که در طول این مقاله به کار برده می‌شوند، به دقت تبیین و تعریف گردند. وضوح و دقت در مفاهیم، نه تنها به فهم صحیح مباحث کمک می‌کند، بلکه از سوء تفاهمات احتمالی جلوگیری کرده و زمینه را برای تحلیل‌های دقیق‌تر فقهی و حقوقی فراهم می‌آورد. در این بخش، به تعریف و بررسی ابعاد مختلف دو مفهوم محوری طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز می‌پردازیم؛ مفاهیمی که تضاد یا هم‌پوشانی آن‌ها، هسته اصلی بحث این پژوهش را تشکیل می‌دهد. درک صحیح از مبانی، انواع و آثار هر یک از این مفاهیم، برای تحلیل چگونگی اولویت‌بندی آن‌ها در شرایط دشوار وصول مطالبات، ضروری است.

۲-۱. طلبکاران با وثیقه

در دنیای اقتصادی و حقوقی، اعطای اعتبار و ایجاد دین امری رایج است. با این حال، همیشه این ریسک وجود دارد که مدیون قادر به بازپرداخت دین خود نباشد. برای کاهش این ریسک و ایجاد اطمینان خاطر بیشتر برای بستانکار، مفهومی به نام «وثیقه» شکل گرفته است. طلبکاران با وثیقه، کسانی هستند که برای تضمین وصول طلب خود، از مدیون یا شخص ثالث، مال یا حقی را به عنوان پشتوانه دریافت می‌کنند. این پشتوانه، به بستانکار حق تقدمی در وصول طلب خود از محل آن مال، نسبت به سایر بستانکاران عادی یا حتی در مواردی خاص، برخی بستانکاران ممتاز می‌دهد.

۲-۱-۱. تعریف وثیقه

وثیقه در اصطلاح حقوقی، مال یا تعهدی است که برای تضمین دین یا انجام یک تعهد دیگر، به بستانکار داده می‌شود. این تضمین به طلبکار این امکان را می‌دهد که در صورت عدم ایفای تعهد توسط مدیون، بتواند طلب خود را از محل وثیقه وصول کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹)

۲-۱-۲. اقسام وثیقه

وثیقه‌ها به طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۲-۱-۲-۱. وثیقه عینی

این نوع وثیقه به حق عینی طلبکار بر یک مال مشخص اشاره دارد. به این معنی که طلبکار بر مال خاصی از مدیون یا شخص ثالث، دارای حق تقدم در استیفای طلب خود می‌شود. (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۹۶) این حق عینی، تبعی و فرع بر دین اصلی است و با از بین رفتن دین، از بین می‌رود. از مهمترین مصادیق وثیقه‌های عینی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. رهن

بارزترین نوع وثیقه عینی است که در آن، مدیون مالی (منقول یا غیرمنقول) را نزد بستانکار به وثیقه می‌گذارد تا بستانکار بتواند در صورت عدم پرداخت دین، طلب خود را از محل فروش آن مال استیفاء کند. در فقه، رهن عقدی است که «مالٌ یُجْعَل وثیقَةً لِذَیْنٍ» (مالی که برای دین وثیقه قرار داده می‌شود). (نجفی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۹۵)

ب. حقوق ارتفاقی به نفع طلبکار

حق ارتفاق حقی است که به موجب آن صاحب ملکی به اعتبار مالکیت خود، می‌تواند از ملک دیگری استفاده کند. مانند حق عبور، یا ناودان و یا حق داشتن پنجره. مثلاً کسی برای آبیاری و یا رفتن به ملک خود، می‌تواند از ملک دیگری عبور نماید. ماده ۹۴ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد که صاحبان املاک می‌توانند در ملک خود هر حقی را که بخواهند نسبت به دیگری ایجاد کنند. پس مالک زمین و ملک می‌تواند، با قراردادی حق عبور یا حقوق دیگری را به شخصی واگذار کند. در مواردی خاص و به طور غیرمستقیم، برخی حقوق بر املاک می‌تواند جنبه وثیقه داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۴۹۸)

ج. حق حبس

در برخی عقود معوض مانند بیع، هر یک از طرفین می‌توانند تا زمانی که طرف دیگر تعهد خود را ایفا نکرده است، از ایفای تعهد خویش خودداری کند. این حق نیز به نوعی تضمین اجرای تعهد است. به موجب ماده ۳۷۷ قانون مدنی: «هر یک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود مگر این که مبیع یا ثمن مؤجل باشد در این صورت هر کدام از مبیع یا ثمن که حال باشد باید تسلیم شود.»

۲-۱-۲. وثیقه شخصی

این نوع وثیقه به معنای تضمین دین توسط شخص دیگری غیر از مدیون اصلی است. در این حالت، شخص ثالثی (ضامن) متعهد می‌شود که در صورت عدم ایفای تعهد توسط مدیون اصلی، دین او را بپردازد. از مهمترین مصادیق وثیقه‌های شخصی عبارتند از:

الف. ضمان

در این عقد، شخص ثالثی (ضامن) متعهد به پرداخت دین مدیون اصلی می‌شود. این ضمان می‌تواند تضامنی (بستانکار می‌تواند به هر یک از مدیون اصلی یا ضامن رجوع کند) یا تضامنی نباشد. (قانون مدنی، ماده ۶۸۴)

ب. کفالت

در این عقد، کفیل متعهد به احضار مکفول (مدیون) در زمان و مکان معین می‌شود و در صورت عدم احضار، خود باید دین را بپردازد. (قانون مدنی، ماده ۷۳۴)

ج. اسناد تجاری

سفته، چک و برات نیز می‌توانند به عنوان وثیقه شخصی عمل کنند؛ به این معنا که امضاکنندگان این اسناد، در برابر دارنده، متضامناً مسئول پرداخت مبلغ مندرج در سند هستند. (خراعی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۶)

۲-۱-۳. هدف از اخذ وثیقه و آثار آن

هدف اصلی از اخذ وثیقه، کاهش ریسک عدم وصول طلب برای بستانکار است. با وجود وثیقه، بستانکار اطمینان بیشتری نسبت به بازپرداخت دین دارد، زیرا در صورت نکول مدیون، می‌تواند از محل وثیقه طلب خود را استیفاء کند.

مهمترین اثر اخذ وثیقه، ایجاد حق تقدم برای طلبکار با وثیقه نسبت به مال مورد وثیقه است. این بدان معناست که در صورت فروش مال مورد وثیقه (مثلاً در اجرای احکام یا تصفیه ورشکستگی)، طلبکار با وثیقه پیش از سایر طلبکاران عادی، از بهای فروش آن مال، طلب خود را وصول خواهد کرد. این حق تقدم حتی در برخی موارد بر مطالبات برخی طلبکاران ممتاز نیز مقدم است، که این خود موضوع اصلی این پژوهش است. از دیگر آثار وثیقه می‌توان به امکان تعقیب مال مورد وثیقه (حق تعقیب) حتی اگر به ملکیت دیگری درآمده باشد، اشاره کرد. (کرمی، و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۳)

با این توضیحات، روشن می‌شود که طلبکاران با وثیقه، ستون فقرات نظام اعتباردهی در هر جامعه‌ای هستند. وجود حق وثیقه و حق تقدم ناشی از آن، به افراد و مؤسسات اقتصادی امکان می‌دهد تا با اطمینان خاطر بیشتری به مبادلات مالی و اعطای تسهیلات بپردازند. فهم دقیق این مفهوم و تمایز آن از طلبکاران ممتاز، برای تبیین جایگاه هر یک در سلسله مراتب وصول مطالبات و حل تعارضات احتمالی، ضروری است.

۲-۲. طلبکاران ممتاز

در کنار طلبکاران با وثیقه که حق تقدم خود را از وجود یک تضمین عینی یا شخصی به دست می‌آورند، دسته دیگری از طلبکاران وجود دارند که بدون داشتن وثیقه خاص، به دلیل ماهیت طلبشان یا ملاحظات خاص اجتماعی و قانونی، از امتیاز تقدم در وصول طلب برخوردارند. این گروه از بستانکاران را طلبکاران ممتاز می‌نامند. امتیاز به معنای حق تقدمی است که به موجب حکم قانون یا شرع، به برخی دیون خاص، فارغ از وجود یا عدم وجود وثیقه، اعطا می‌شود.

امتیاز در لغت به معنای برتری و برگزیدگی است (معین، ۱۳۸۵، ص ۳۱). در اصطلاح حقوقی و فقهی، امتیاز حقی است که به موجب آن، برخی مطالبات بر سایر مطالبات (حتی در برخی موارد بر مطالبات با وثیقه) در زمان تقسیم اموال مدیون ورشکسته یا متوفی، ارجحیت و تقدم پیدا می‌کنند. این حق تقدم نه از وثیقه بلکه از صفات ذاتی دین یا وضعیت خاص طلبکار ناشی می‌شود. مبنای اعطای این امتیازات، معمولاً حمایت از حقوق افراد آسیب‌پذیرتر، حفظ نظم عمومی، یا ملاحظات اخلاقی و اجتماعی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۹۹)

مبنای اعطای امتیاز به طلبکاران ممتاز در نظام‌های حقوقی و فقهی مختلف، متفاوت اما با اهداف مشترکی همراه است: ۱. نفع عمومی و حفظ نظم اجتماعی، مثل مطالبات دولت بابت مالیات، یا مطالبات شهرداری‌ها بابت عوارض، که برای اداره جامعه حیاتی هستند. ۲. حمایت از حقوق افراد خاص و آسیب‌پذیر که بارزترین نمونه آن، حقوق کارگران (مانند دستمزد، سنوات) یا حقوق خانواده (مانند مهریه و نفقه). ۳. ملاحظات اخلاقی و انسانی که البته کمتر صراحتاً به عنوان مبنای اصلی ذکر می‌شود. (کاتوزیان، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۵۱۸)

اثر اصلی ممتاز بودن طلب، حق تقدم در وصول آن نسبت به سایر مطالبات عادی و در مواردی خاص، حتی بر مطالبات با وثیقه است. این بدان معناست که در فرآیند تقسیم اموال مدیون (به ویژه در ورشکستگی یا تصفیه ترکه)، طلبکار ممتاز قبل از دیگران و به ترتیبی که قانون یا شرع مقرر کرده است، طلب خود را دریافت می‌کند. ترتیب اولویت‌بندی میان خود طلبکاران ممتاز نیز در قوانین مشخص شده است.

بنابراین، طلبکاران ممتاز، بازتابی از ارزش‌ها و اولویت‌های جامعه در حمایت از حقوق خاص و حفظ نظم عمومی هستند. شناخت دقیق ماهیت، مبنای و مصادیق این نوع طلبکاران، گام مهمی در فهم چگونگی حل تعارضات میان آن‌ها و طلبکاران با وثیقه است؛ تعارضاتی که همواره یکی از چالش‌های اصلی در حقوق تصفیه و ورشکستگی محسوب می‌شود. (ایزانلو و دیگری، ۱۳۹۱، ص ۵۰)

۳. بررسی مبنای فقهی وثیقه و امتیاز

پس از شناخت مفهوم طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز و آشنایی با ماهیت هر یک، ضروری است برای درک عمیق‌تر جایگاه این دو گروه در نظام حقوقی ایران و تبیین وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها، به بررسی ریشه‌های فقهی هر مفهوم بپردازیم. فقه

اسلامی، به عنوان منبع اصلی و بنیادین بسیاری از قوانین مدنی و تجاری در ایران، مبانی مستحکمی برای احکام مربوط به ضمانت‌های دینی (وثایق) و اولویت‌بندی مطالبات (امتیازات) ارائه داده است.

در این بخش، تلاش می‌شود تا با واکاوی آیات و روایات مرتبط، و همچنین بررسی دیدگاه فقه‌های امامیه در خصوص مبانی مشروعیت رهن و سایر وثایق عینی و شخصی، و نیز دلایل فقهی اعطای حق تقدم به برخی دیون خاص، چارچوب نظری و شرعی بحث تبیین گردد. فهم این مبانی، نه تنها به تحلیل دقیق‌تر قوانین جاری کمک می‌کند، بلکه راه را برای ارائه راهکارهای حقوقی نوین در صورت وجود خلأ یا تعارض، هموار خواهد ساخت.

۳-۱. مبانی فقهی وثیقه (عینی و شخصی)

وثیقه به معنای عام، در فقه اسلامی تحت عنوان ضمانت‌های دینی، مطرح می‌شود. هدف اصلی از این ضمانت‌ها، تقویت اطمینان بستانکار نسبت به وصول طلب خود است. در فقه اسلامی، وثایق عمدتاً به دو دسته وثایق عینی (مانند رهن) و وثایق شخصی (مانند ضمان و کفالت) تقسیم می‌شوند که هر یک مبانی، ارکان و آثار خاص خود را دارند.

۳-۱-۱. مبانی و آثار فقهی رهن (وثیقه عینی)

رهن، در لغت به معنای ثبات و دوام (ابن فارس، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۲، ص ۳۳) و در اصطلاح فقهی به معنای حبس مال در برابر دین است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق، ج ۲، ص ۱۹۶). رهن، مهمترین و شناخته‌شده‌ترین وثیقه عینی در فقه اسلامی است. مشروعیت و احکام آن بر مبانی زیر استوار است:

۳-۱-۱-۱. آیات قرآن کریم

مهمترین آیه در مورد رهن، آیه ۲۸۳ سوره بقره است:

«وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ، فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَغْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ...»؛ و اگر در سفر بودید و کاتبی نیافتید [برای ثبت بدهی]، وثیقه‌هایی بگیرید که در دست [رهن‌گیرنده] باشد. و اگر یکدیگر را امین دانستید، پس آن کس که امانت به او سپرده شده، امانت خود را ادا کند و از پروردگارش، خدا بترسد... .

این آیه به صراحت جواز رهن را در سفر (زمانی که امکان نوشتن سند و گواه گرفتن نیست) بیان می‌کند. فقها از باب اولویت و الغاء خصوصیت، حکم رهن را به موارد غیر سفر نیز تعمیم داده‌اند؛ زیرا هدف آیه، تأمین اطمینان بستانکار است و این هدف چه در سفر و چه در حضر محقق می‌شود. از عبارت «رهن مقبوضه» نیز لزوم قبض در رهن (یعنی در اختیار قرار گرفتن عین مرهونه به مرتهن یا امین او) استنباط می‌شود. (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵)

علاوه بر این، عقد رهن نیز مانند سایر عقود لازم، مشمول عموم آیه «اوفوا بالعقود» (به پیمان‌های خود وفا کنید) (مائدة: ۱) است. این آیه، اصل لزوم و صحت عقود و تعهدات را در اسلام تثبیت می‌کند و عقد رهن نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۳-۱-۱-۲. سنت (روایات)

روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) در مورد رهن وارد شده است که بر مشروعیت و صحت آن دلالت دارد. به عنوان مثال، روایات مربوط به سیره نبوی که پیامبر (ص) خود نیز برای خرید گندم، زره خود را نزد یک یهودی رهن گذاشتند. این سیره عملی، قوی‌ترین دلیل بر جواز و مشروعیت رهن در اسلام است. روایات دیگری نیز به احکام تفصیلی رهن مانند عدم جواز تصرف رهن و مرتهن در عین مرهونه بدون اجازه یکدیگر، جواز فروش مرهونه در صورت عدم ایفای دین و... اشاره دارند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۸، ص ۳۷۹)

علاوه بر روایات، عقلا در طول تاریخ و در جوامع مختلف، همواره برای تأمین دیون خود، اقدام به اخذ وثیقه می‌کرده‌اند. این رویه عقلایی که مورد تأیید شارع نیز قرار گرفته است، می‌تواند مبنایی برای مشروعیت رهن باشد. رویه عقلا در اخذ تضمین برای دیون، یک امر فطری و عقلانی است. با استناد به آیات و روایات، اجماع فقهای شیعه و سنی بر جواز و مشروعیت عقد رهن وجود دارد. هیچ فقیهی را نمی‌توان یافت که با اصل عقد رهن مخالفت کرده باشد. این اجماع، در کنار روایات متعدد، بر صحت رهن دلالت می‌کند.

۳-۱-۱-۴. آثار فقهی رهن

عقد رهن، آثار متعددی دارد که در اینجا به چند اثر مهم آن اشاره می‌کنیم:

الف. حق حبس مرتهن

مرتهن (رهن‌گیرنده) حق دارد مال مرهونه را تا زمان ادای دین در اختیار خود نگه دارد و مدیون (راهن) نمی‌تواند آن را مطالبه کند.

ب. حق تبعیت (تبعیت دین از رهن)

عقد رهن، عقدی تبعی است؛ یعنی با از بین رفتن دین (مانند پرداخت)، عقد رهن نیز خود به خود باطل می‌شود.

ج. عدم جواز تصرف مضر

راهن و مرتهن نمی‌توانند بدون اجازه یکدیگر در عین مرهونه تصرفی کنند که به حق دیگری ضرر برساند.

د. بقای رهن با انتقال مال

در صورت انتقال عین مرهونه به شخص ثالث (با اجازه مرتهن)، حق رهن مرتهن بر آن مال باقی می‌ماند و می‌تواند آن را از منتقل‌الیه مطالبه کند.

ه. حق تقدم

مهمترین اثر رهن که در این پژوهش مورد توجه است، ایجاد حق تقدم برای مرتهن در استیفای طلب خود از عین مرهونه، نسبت به سایر طلبکاران مدیون است. این حق تقدم حتی در صورت ورشکستگی مدیون نیز باقی می‌ماند و مرتهن می‌تواند مستقیماً از محل فروش عین مرهونه، طلب خود را وصول کند. (ر.ک: خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲-۱۳)

۳-۱-۲. مبانی و آثار فقهی ضمان و کفالت (وثایق شخصی)

وثایق شخصی مانند ضمان و کفالت نیز جایگاه مهمی در فقه اسلامی دارند و برای اطمینان بستانکار از وصول طلب به کار می‌روند.

۳-۱-۲-۱. ضمان

در فقه امامیه، عقد ضمان عبارت است از «نقل ذمه به ذمه». به عبارت دیگر، شخص ضامن متعهد می‌شود دین مدیون اصلی را به طلبکار بپردازد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۴، ص ۱۷۲)

در آیات قرآن کریم، اگرچه آیه صریحی در مورد ضمانت به معنای دقیق آن وجود ندارد، اما می‌توان از آیات عامی مانند «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (در نیکوکاری و تقوا یکدیگر را یاری کنید) (مائده: ۲) و همچنین تاکید بر وفای به عهد و تعهدات، مثل «وفوا بالعقود» (به پیمان‌های خود وفا کنید) (مائده: ۱)، جواز ضمان را استنباط کرد. اما روایات متعددی از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) در مورد احکام ضمان و جواز آن وارد شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۸، ص ۴۲۸).

بر طبق فقه امامیه، اصلی‌ترین اثر عقد ضمان، این است که دینی که بر عهده مضمون‌عنه (بدهکار) بوده به ذمه ضامن انتقال می‌یابد و در نتیجه ذمه مضمون‌عنه بری می‌شود و پس از ضمانت، مضمون‌له (طلبکار) نمی‌تواند برای وصول طلبش به مضمون‌عنه مراجعه کند؛ بلکه باید به ضامن رجوع نماید. اگر مضمون‌له ذمه ضامن را ابراء کند، ذمه مضمون‌عنه نیز بری می‌شود. (نجفی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۱۲۷).

۳-۱-۲-۲. کفالت

در فقه، کفالت عبارت است از «تعهد به احضار شخص مدیون» (تعهد به نفس مدیون). کفیل متعهد می‌شود مدیون را در زمان و مکان معین نزد طلبکار یا دادگاه احضار کند و در صورت عدم احضار، خود متعهد به پرداخت دین او می‌شود. (خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵) مبانی: مبانی کفالت نیز مشابه ضمان، عمدتاً سیره عقلاییه، روایات و اجماع فقها است. در روایات متعددی به احکام و آثار عقد کفالت اشاره شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۱۸، ص ۴۶۵). اصلی‌ترین اثر فقهی کفالت، ایجاد تعهد برای کفیل در احضار مکفول (مدیون) است. در صورت عدم احضار، کفیل باید دین را بپردازد و این به نوعی به عنوان یک وثیقه شخصی برای بستانکار عمل می‌کند.

با این توضیحات، روشن می‌شود که مبانی فقهی وثیقه، اعم از عینی و شخصی، مستحکم و ریشه‌دار در منابع اصیل اسلامی (قرآن، سنت، اجماع، سیره عقلاییه) است. این مبانی، نه تنها مشروعیت وثایق را تأیید می‌کنند، بلکه حق تقدم و سایر آثار

مربوط به آن‌ها را نیز تبیین می‌نمایند. درک این مبانی، زمینه را برای مقایسه و تطبیق با مبانی حقوقی وثایق در قوانین کنونی ایران و همچنین بررسی تعارض احتمالی با امتیازات فقهی و حقوقی فراهم می‌آورد.

۲-۳. مبانی و مصادیق فقهی امتیاز

امتیاز در فقه اسلامی به معنای حق تقدم برخی مطالبات بر دیگر مطالبات در زمان تصفیه اموال مدیون (چه در حیات او، چه پس از فوت یا ورشکستگی) است، بدون آنکه این تقدم ناشی از وجود وثیقه‌ای عینی باشد. این مفهوم، ریشه در ملاحظات شرعی، اخلاقی و اجتماعی دارد و از عمومات و قواعد فقهی متعددی استنباط می‌شود.

برخلاف رهن که آیه صریح قرآنی دارد، در مورد امتیاز به معنای عام آن (حق تقدم غیر وثیقه‌ای) نص صریح و جامعی در قرآن و سنت که یک قاعده کلی برای تمام موارد اولویت‌بندی مطالبات ارائه دهد، وجود ندارد. با این حال، فقها با استناد به عمومات، اطلاعات، روایات خاص و همچنین قواعد فقهی و اصول عقلانی، مصادیق متعددی از امتیاز را شناسایی و مشروعیت بخشیده‌اند.

۱-۲-۳. حقوق مربوط به تجهیز میت و کفن و دفن (حقوق مربوط به ترکه)

فقها بر اساس روایات و سیره عملی مسلمانان و همچنین قاعده تقدیم اهم بر مهم (در فقه به آن اولویت حق‌الله بر حق‌الناس در برخی موارد یا حقوق مربوط به میت)، این هزینه‌ها را مقدم بر هر دین دیگری می‌دانند. این امر به دلیل حفظ حرمت میت و انجام واجبات شرعی پس از فوت است. استدلال بر این مدعا به این شکل است که هزینه‌های کفن و دفن و تجهیز میت، مقدمه واجب دفن میت مسلمان است و بدون آن، انجام این واجب شرعی ممکن نیست. لذا از اموال میت باید در درجه اول این هزینه‌ها پرداخت شود. در واقع، این نوع مطالبات، حتی قبل از پرداخت دیون، از ترکه خارج می‌شوند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۷۲ و ۱۷۳)

۲-۲-۳. مهریه و نفقه زوجه و اقارب

در فقه اسلامی، خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و شریعت بر حفظ حقوق اعضای آن تأکید فراوان دارد. در قرآن کریم، آیه ۴ سوره نساء به لزوم پرداخت مهر به زنان اشاره دارد: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (و مهریه زنان را [که هدیه‌ای از سوی خداوند است] خالصانه به آنان بپردازید). روایات متعددی بر لزوم پرداخت نفقه زوجه و فرزندان و همچنین مهر تأکید دارند و آن را از حقوق واجب می‌شمارند.

در مورد مهریه، فقها بر اساس روایات و قواعد فقهی، آن را از جمله دیونی می‌دانند که زن می‌تواند در صورت فوت یا ورشکستگی شوهر، حتی قبل از تقسیم ترکه و قبل از برخی دیون دیگر، آن را از اموال شوهر برداشت کند. در مورد نفقه نیز، به دلیل جنبه معیشتی و حیاتی آن، بسیاری از فقها قائل به اولویت آن نسبت به دیون دیگر هستند. (نجفی، بی‌تا، ج ۲۵، ص ۲۹۶)

۳-۲-۳. زکات، خمس و مظالم عباد (حقوق‌الله و حقوق‌الناس مرتبط با عبادات)

بسیاری از آیات و روایات بر وجوب پرداخت زکات و خمس و تأکید بر آن به عنوان حقوق مالی الهی، دلالت دارند. در مواردی، حق‌الله (حقوق الهی) بر حق‌الناس (حقوق مردم) تقدم دارد، خصوصاً اگر این حقوق از جنس واجبات مالی باشند. دین مربوط

به مظالم عباد (حقوق تضییع شده از بندگان که صاحب آن در دسترس نیست) نیز از دیونی است که باید از اموال میت پرداخت شود.

فقها قائلند که این مطالبات (زکات، خمس، رد مظالم) از واجبات مالی هستند که باید از اصل ترکه پرداخت شوند و در برخی موارد، بر دیون دیگر مقدم هستند. دلیل تقدم، جنبه شرعی و اهمیت آن‌ها در تطهیر اموال و ذمه متوفی است. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۴۰۱)

۳-۲-۴. حق حبس و حق شفعه (اولویت در خرید)

شریعت اسلام بر اجرای عدالت و احقاق حقوق تأکید دارد. در مواردی که عدم اعمال این حقوق منجر به ضرر می‌شود، شریعت آن را نفی می‌کند. حق حبس، یکی از حقوق در راستای اجرای عدالت و جلوگیری از ضرر است. در عقود معاوضی مانند بیع، هر یک از طرفین حق دارد تا زمانی که طرف دیگر به تعهد خود عمل نکرده است، از ایفاء تعهد خویش خودداری کند. این حق، به نوعی یک حق تقدم اجرایی برای طرفین محسوب می‌شود و قبل از سایر حقوق مطرح می‌شود. (خمینی، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۵، ص ۳۷۱)

در فقه، حق شفعه به معنای حق تقدم شریک در خرید سهم شریک دیگر در مال مشاع است، در صورتی که شریک دیگر سهم خود را به بیگانه بفروشد. این حق به دلیل جلوگیری از ورود شریک ناخواسته و ضرر ناشی از آن به سایر شرکا، اعطا شده است. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۴، ص ۷۷۶)

۳-۲-۵. حقوق مربوط به هزینه‌های حفظ و نگهداری اموال

اگر شخصی برای حفظ و نگهداری مالی که برای تمامی طلبکاران یا ذینفعان آن مال، مفید بوده، هزینه‌ای متحمل شده باشد، این هزینه به دلیل اینکه منجر به حفظ اصل مال و در نتیجه حفظ حقوق سایر طلبکاران شده است، باید از محل خود آن مال قبل از توزیع بین طلبکاران پرداخت شود. این نوع مطالبات نیز به دلیل جنبه حمایتی و حفظی که دارند، دارای اولویت هستند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۷۲)

۳-۳. تفاوت وثیقه با امتیاز

وثیقه با امتیاز از چند جهت تفاوت دارد:

۳-۳-۱. منشأ ایجاد

امتیاز از ماهیت خاص دین یا وضعیت طلبکار و به حکم قانون یا شرع ناشی می‌شود، در حالی که وثیقه از قرارداد بین طرفین یا حکم قانون بر مالی خاص (مانند رهن) پدید می‌آید. (ایزانلو و دیگری، ۱۳۹۱، ص ۵۱)

۳-۳-۲. متعلق

در وثیقه عینی، حق تقدم بر یک مال معین و مشخص (عین مرهونه) است، اما در امتیاز، حق تقدم بر کلیه اموال مدیون (یا ترکه او) یا بخشی از آن است و به عین خاصی تعلق ندارد، مگر در موارد استثنایی. (یوسفی صادقلو و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۶)

۳-۳-۳. لزوم قبض

در وثیقه عینی (مانند رهن)، قبض (در اختیار گرفتن مال) شرط صحت است، اما در امتیاز چنین شرطی وجود ندارد. (کرمی، و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶)

۳-۳-۴. حق تقدم

حق تقدم ناشی از وثیقه عینی، در صورت ورشکستگی نیز بر مال مورد وثیقه باقی می ماند و مرتبه می تواند مستقیماً از محل آن مال طلب خود را وصول کند. در مورد امتیازات، ترتیب و نحوه اعمال حق تقدم در ورشکستگی، تابع مقررات خاص قانون تجارت است. (میرشکاری، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰)

بنابراین، اگرچه فقه اسلامی یک قاعده کلی و واحد برای امتیاز به معنای حق تقدم غیر وثیقه ای ارائه نمی دهد، اما با استناد به عمومات قرآنی، سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع)، اجماع فقها و قواعد عقلایی، مصادیق متعددی از دیون را شناسایی کرده که دارای حق تقدم هستند. این امتیازات اغلب بر پایه ملاحظات شرعی مانند اهمیت حقوق خانواده، رعایت واجبات الهی، حفظ حرمت میت، و جلوگیری از ضرر، شکل گرفته اند. فهم این مبانی، برای تبیین جایگاه حقوقی و فقهی طلبکاران ممتاز و حل تعارضات احتمالی با طلبکاران با وثیقه، ضروری است.

۴. بررسی مبانی حقوقی وثیقه و امتیاز

حقوق ایران، چه در قانون مدنی و چه در قوانین خاص مانند قانون تجارت و قوانین بانکی، مبانی فقهی وثیقه و امتیاز را پذیرفته و قواعد تفصیلی برای آن ها وضع کرده است.

۴-۱. مبانی حقوقی وثیقه

وثیقه ها در حقوق ایران به دو دسته اصلی یعنی وثایق عینی و وثایق شخصی تقسیم می شوند که هر یک مبانی حقوقی و کاربردهای خاص خود را دارند.

۴-۱-۱. وثایق عینی

این وثایق، حق عینی تبعی بر مال معینی را برای بستانکار ایجاد می کنند که به موجب آن، بستانکار می تواند در صورت عدم ایفای دین، طلب خود را از محل فروش آن مال و با حق تقدم نسبت به سایر بستانکاران وصول کند. مهمترین نوع آن رهن است.

قانون مدنی در مواد ۷۷۱ تا ۷۹۳ به تفصیل به احکام رهن پرداخته است. این مواد، رهن را عقدی می‌دانند که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه دین به دائن می‌دهد. رهن یک حق عینی تبعی است؛ یعنی موضوع آن مال معینی است و برای تضمین دین ایجاد می‌شود. وجود و بقای آن، تابع وجود و بقای دین اصلی است. ویژگی‌های حقوقی رهن که منطبق با مباحث فقهی است، عبارتند از: عقد لازم، تبعیت از دین، حق تقدم مرتهن، حق تعقیب، عدم جواز تصرف مضر و لزوم قبض (امامی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۳۰)

علاوه بر رهن، در حقوق ایران، برخی انواع وثیقه در قوانین خاص (مانند قانون ثبت اسناد و املاک) نیز مطرح شده‌اند که عملاً کارکردی مشابه رهن دارند و حق عینی تبعی را ایجاد می‌کنند. اینها ممکن است به صورت رسمی یا عادی باشند. (میرشکاری، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸)

۴-۱-۲. وثایق شخصی

این وثایق، ذمه شخص ثالثی را به دین مدیون اصلی اضافه می‌کنند و بستانکار می‌تواند در صورت عدم ایفای تعهد توسط مدیون اصلی یا به‌طور کلی به شخص ثالث رجوع کند. یکی از مهم‌ترین وثایق شخصی، ضمان است که مواد ۶۸۴ تا ۷۲۳ قانون مدنی به آن اختصاص دارد. ضمان، عقدی است که به موجب آن شخصی در مقابل طلبکار، پرداخت دین دیگری را برعهده می‌گیرد.

لازم به ذکر است که در عمل و در روابط بانکی، اغلب ضمانت به صورت «ضم ذمه به ذمه» تنظیم می‌شود که در این صورت، طلبکار می‌تواند هم به مدیون اصلی و هم به ضامن رجوع کند. این موضوع بیشتر از قواعد مربوط به «مسئولیت تضامنی» (ماده ۴۰۲ ق.ت) و توافقات قراردادی نشأت می‌گیرد تا حکم ذاتی عقد ضمان در قانون مدنی.

مصادق دیگر در وثایق شخصی، عقد کفالت است. مواد ۷۳۴ تا ۷۵۱ قانون مدنی به عقد کفالت اختصاص دارد. کفالت، عقدی است که به موجب آن یکی در مقابل دیگری احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند.

۴-۲. مبانی حقوقی امتیاز (حق تقدم)

امتیاز در حقوق ایران، به معنای حق تقدم قانونی برخی مطالبات بر سایر مطالبات در زمان وصول طلب از اموال مدیون است، بدون آنکه وثیقه‌ای عینی بر مال خاصی وجود داشته باشد. این امتیازات به موجب نص صریح قانون ایجاد می‌شوند و از نظم عمومی جامعه حمایت می‌کنند.

اگرچه قانون مدنی به صورت صریح و تحت عنوان واحد «امتیاز» به آن نپرداخته، اما در مواد مختلف خود به برخی از این اولویت‌ها اشاره دارد (مثلاً ماده ۲۲۸ ق.م.د در مورد نفقه). مواد ۵۸ و ۵۰۰ تا ۵۰۴ قانون تجارت (در مبحث ورشکستگی) به تفصیل به طلبکاران ممتاز اشاره کرده و ترتیب اولویت آن‌ها را مشخص می‌کند. برخی قوانین خاص دیگر نیز به اولویت‌بندی مطالبات می‌پردازند (مانند قانون اجرای احکام مدنی).

مبنای اغلب این امتیازات، به دلیل حمایت از حقوق اساسی افراد (مثل حق حیات و معیشت) یا تأمین منافع عمومی (مثل مالیات) و یا حفظ نظم اجتماعی، توسط قانونگذار وضع شده‌اند. مهم‌ترین مصادیق قانونی امتیاز در حقوق ایران عبارتند از:

هزینه‌های کفن و دفن میت (قانون مدنی، ماده ۸۶۹ و قانون امور حسبی، ماده ۲۲۶)

نفقه زوجه (قانون مدنی، ماده ۱۲۰۶)

مهریه زوجه (قانون امور حسبی، ماده ۲۲۶ و قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۱۴۸، بند ۳)

نفقه اولاد (در برخی موارد) (قانون امور حسبی، ماده ۲۲۸)

مطالبات دولت بابت مالیات و عوارض (قانون تجارت، ماده ۵۰۳ و قانون مالیات‌های مستقیم، مواد ۲۰۲ تا ۲۱۸ و ماده ۱۶۰)

مطالبات کارگران و کارمندان (قانون تجارت، ماده ۵۰۳ و قانون کار، ماده ۱۳، تبصره ۱)

حقوق صاحبان وثیقه عینی (قانون تجارت، ماده ۵۰۳ و ۵۰۴)

در نتیجه، حقوق ایران با اقتباس از مبانی فقهی، هم وثایق عینی (مانند رهن) و هم وثایق شخصی (ضمان و کفالت) را به رسمیت شناخته و قواعد تفصیلی برای آن‌ها وضع کرده است. علاوه بر این، مفهوم امتیاز یا حق تقدم قانونی را برای برخی از مطالبات خاص ایجاد کرده است. درک این تمایزات و مبانی حقوقی، برای تنظیم قراردادهای مالی، وصول مطالبات و همچنین در دعوی مربوط به ورشکستگی و تقسیم ترکه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. (کرمی، و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۱۱۵)

۵. مقایسه اولویت طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز

مقایسه اولویت طلبکاران با وثیقه و طلبکاران ممتاز، یکی از ظرافت‌های مهم و کاربردی در حقوق ورشکستگی و تصفیه امور مالی است. در ادامه به صورت تفصیلی به این مقایسه و تعیین اولویت هر یک نسبت به دیگری می‌پردازیم. طلبکار با وثیقه، شخصی است که برای تضمین طلب خود، مال معینی از مدیون را (معمولاً به موجب قرارداد رهن یا وثیقه بانکی) در اختیار دارد. این وثیقه به او حق عینی تبعی بر آن مال می‌دهد و او می‌تواند طلب خود را از محل فروش آن مال وصول کند، مثل بانکی که در قبال وام، سند ملک مشتری را به رهن گرفته است. اما طلبکار ممتاز (دارای حق تقدم قانونی)، شخصی است که طلب او به حکم قانون (و نه به موجب وثیقه بر مال خاص) دارای اولویت در وصول نسبت به سایر طلبکاران است. این اولویت بر مبنای اهمیت اجتماعی، اقتصادی یا حمایتی طلب، توسط قانونگذار تعیین می‌شود، مثل کارگران بابت حقوق معوقه خود، دولت بابت مالیات، یا نفقه زوجه.

۵-۱. قاعده کلی تقدم طلبکار با وثیقه بر تمامی طلبکاران ممتاز و عادی

در نظام حقوقی ایران، قاعده کلی این است که طلبکار با وثیقه (رهن) نسبت به مال مورد وثیقه، بر تمامی طلبکاران ممتاز و عادی مقدم است. به این معنا که اگر مدیون ورشکسته شود یا اموالش برای پرداخت همه دیون کافی نباشد، ابتدا طلبکار با وثیقه می‌تواند طلب خود را از محل فروش مالی که در رهن دارد، به طور کامل (تا سقف ارزش مال) وصول کند. بعد از آن، اگر مازادی از آن مال باقی ماند و یا اگر اموال دیگری از مدیون وجود داشت، نوبت به طلبکاران ممتاز و سپس طلبکاران عادی می‌رسد.

به تعبیر دیگر، این قاعده به معنای آن است که اگر فرد یا شرکتی بدهکار باشد و نتواند دیون خود را پرداخت کند و دارایی‌هایش برای پوشش همه بدهی‌ها کافی نباشد، طلبکاری که برای دین خود وثیقه (مانند رهن) دارد، نسبت به مالی که به عنوان وثیقه گرفته است، حق تقدم مطلق در وصول طلب خود دارد. این حق تقدم حتی بر طلبکاران ممتاز (که قانون به آن‌ها اولویت داده است) و طبیعتاً بر طلبکاران عادی، مقدم است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹)

۵-۲. مبانی قاعده کلی تقدم

قاعده کلی تقدم طلبکار با وثیقه بر تمامی طلبکاران ممتاز و عادی، یک اصل اساسی و منطقی در حقوق تعهدات و ورشکستگی است. این قاعده نه تنها از حقوق بستانکاران با وثیقه حمایت می‌کند، بلکه با ایجاد اطمینان در مبادلات، به سلامت و پویایی اقتصاد نیز کمک می‌کند. مبانی آن، ماهیت عینی حق وثیقه و اراده طرفین است که مال معینی را برای تضمین دین تخصیص داده‌اند. مبانی فقهی و حقوقی این قاعده عبارت است از:

۵-۲-۱. ماهیت حق عینی تبعی (حق وثیقه)

حق وثیقه (مانند حق رهن یا وثیقه بانکی) یک حق عینی تبعی است. به این معنا که این حق بر روی خود مال (مانند ملک، ماشین، سهام) ایجاد شده و تابع آن است. وقتی مالی به وثیقه گذاشته می‌شود، عملاً قسمتی از ارزش اقتصادی آن مال برای تضمین پرداخت دین خاصی تخصیص یافته و کنار گذاشته شده است. این حق، صرفاً یک اولویت در پرداخت نیست، بلکه به طلبکار این امکان را می‌دهد که در صورت عدم پرداخت دین، مال مورد وثیقه را بفروشد و طلب خود را از ثمن آن وصول کند، صرف‌نظر از اینکه آن مال در دست چه کسی باشد. این ویژگی، حق تعقیب نامیده می‌شود. (ایزانلو و دیگری، ۱۳۹۱، ص ۵۱)

بنابراین، از آنجا که این حق بر خود مال تعلق گرفته، سایر طلبکاران (اعم از ممتاز و عادی) تنها می‌توانند به دارایی باقیمانده مدیون (یعنی اموالی که در وثیقه نیستند یا مازاد ارزش مال وثیقه پس از پرداخت طلب بستانکار وثیقه‌ای) چشم داشته باشند.

۵-۲-۲. اراده و توافق طرفین

وثیقه نتیجه یک توافق ارادی بین مدیون و طلبکار است. مدیون با اراده خود، مالی را برای تضمین دین مشخصی در اختیار طلبکار قرار داده است. این توافق، یک تعهد قوی‌تر و یک تضمین خاص ایجاد می‌کند که بر تعهدات عمومی و بدون تضمین برتری دارد. به تعبیر دیگر، اصل تخصیص مال در اینجا جاری می‌شود و وقتی مالی به وثیقه گذاشته می‌شود، به این معناست که عملاً آن مال برای پرداخت دین خاصی تخصیص یافته است. (کرمی، و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۱۱۶)

۵-۲-۳. حمایت از اعتبار و تسهیل مبادلات اقتصادی

پذیرش اولویت وثیقه، باعث اطمینان بخشی به بستانکاران (به ویژه بانک‌ها و مؤسسات مالی) می‌شود تا با خیال راحت‌تر تسهیلات مالی ارائه دهند، چرا که می‌دانند در صورت عدم ایفای تعهد، می‌توانند به وثیقه مراجعه کنند. این امر به گردش مالی و رونق اقتصادی کمک می‌کند. اگر طلبکاران با وثیقه، اولویت نداشته باشند، هیچ کس حاضر به پرداخت وام‌های بزرگ یا انجام معاملات پرخطر نخواهد بود، زیرا خطر عدم وصول طلب در صورت ورشکستگی مدیون بسیار بالا می‌رود. این قاعده به بانک‌ها و مؤسسات مالی اجازه می‌دهد که با اطمینان خاطر بیشتری تسهیلات اعطا کنند، زیرا می‌دانند در صورت نکول، می‌توانند به وثیقه مراجعه کنند. این امر به رشد اقتصادی و گردش سرمایه کمک شایانی می‌کند. (ایزانلو و دیگری، ۱۳۹۱، ص ۶۰)

۵-۲-۴. شفافیت و اطلاع‌رسانی

به طور معمول، برای اینکه وثیقه در برابر اشخاص ثالث معتبر باشد، باید به ثبت عمومی برسد (مانند ثبت رهن ملک در اداره ثبت اسناد). این ثبت، به سایر افراد و طلبکاران احتمالی اطلاع می‌دهد که این مال خاص، قبلاً برای تضمین دین دیگری اختصاص یافته است. این شفافیت باعث می‌شود که سایر طلبکاران (یا کسانی که قصد معامله با مدیون را دارند) از وضعیت مال مطلع باشند و با علم به وجود وثیقه، اقدام به معامله یا اعطای دین کنند. (یوسفی صادق‌لو و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۷)

۵-۲-۵. استثناءات محدود

تنها موارد بسیار محدودی وجود دارد که ممکن است هزینه‌هایی بر طلبکار با وثیقه تقدم یابد و این هم به دلیل حفظ اصل مال یا فرآیند تصفیه است. همانطور که در بخش‌های قبلی اشاره شد، هزینه‌هایی که برای حفظ و اداره اموال مدیون (مانند هزینه‌های تصفیه، نگهداری از مال مرهونه) صرف شده‌اند، بر تمامی دیون (حتی با وثیقه) مقدم هستند. مثلاً اگر هزینه‌ای برای جلوگیری از تخریب یا کاهش ارزش ساختمان رهن شده صرف شده باشد، این هزینه ممکن است از ثمن فروش آن مقدم بر طلب مرتهن پرداخت شود، چرا که بدون آن هزینه، اساساً مال وثیقه از بین می‌رفت یا ارزشی نداشت. این هزینه‌ها عموماً از محل نقدینگی موجود یا سایر اموال غیروثیقه‌ای تأمین می‌شوند و در صورت عدم کفایت، می‌تواند از فروش مال مرهونه نیز تأمین شود، زیرا بدون این هزینه‌ها، اصل دارایی از بین می‌رود و حتی طلبکار با وثیقه نیز متضرر می‌شود. (قانون امور حسبی، ماده ۲۲۵)

علاوه بر این، هزینه‌های اجرایی و تصفیه نیز استثناء شده است. به این معنا که هزینه‌های مربوط به فروش مال، هزینه‌های دادرسی و اجرایی مربوط به توقیف و فروش، و در ورشکستگی، هزینه‌های اداره تصفیه، ممکن است از محل فروش مال وثیقه مقدم بر طلب بستانکار وثیقه‌ای پرداخت شوند. این امر به دلیل این است که این هزینه‌ها برای تحقق و وصول طلب بستانکار وثیقه‌ای نیز ضروری بوده‌اند.

باید توجه داشت که اولویت طلبکار با وثیقه تنها در حدود مال مورد وثیقه است. اگر طلب او بیشتر از ارزش مال وثیقه باشد، برای مازاد طلب خود، یک طلبکار عادی محسوب می‌شود و باید با سایر طلبکاران عادی به نسبت تقسیم شود. البته اگر مالی دو بار رهن داده شود، رهن اول مقدم بر رهن دوم است.

در نتیجه، اولویت طلبکاران با وثیقه (مانند مرتهن) بر طلبکاران ممتاز، یک اصل بنیادین در حقوق ایران است. این اولویت ناشی از ماهیت عینی و قراردادی حق وثیقه است که بر مال معینی تعلق می‌گیرد. طلبکار با وثیقه حق دارد ابتدا طلب خود را از محل فروش مال مورد وثیقه وصول کند و سپس، اگر مازادی باقی ماند و یا سایر اموالی وجود داشت، نوبت به پرداخت مطالبات ممتاز (مانند حقوق کارگران و مالیات) و در نهایت، مطالبات عادی می‌رسد. تنها استثناء مهم بر این قاعده، هزینه‌های ضروری برای حفظ و اداره اموال است که می‌تواند بر تمامی دیون (حتی با وثیقه) مقدم باشد. (ایزنلو و دیگری، ۱۳۹۱، ص ۶۱)

۵-۳. مقایسه بین انواع طلبکار ممتاز در فقه و حقوق

مقایسه بین انواع طلبکاران ممتاز در فقه و حقوق، دارای ظرافت‌های خاصی است که نیازمند دقت فراوان است. این مقایسه نه تنها درک عمیق‌تری از مبانی هر دو نظام (فقه و حقوق موضوعه) به دست می‌دهد، بلکه نشانگر نقاط اشتراک و افتراق در رویکردهای آن‌ها به عدالت و حمایت از اقشار خاص است.

۵-۳-۱. طلبکار ممتاز در حقوق موضوعه ایران

در حقوق ایران، طلبکار ممتاز (یا طلبکار دارای حق تقدم) کسی است که طلب او به حکم قانون، نسبت به سایر طلبها (به جز طلب با وثیقه در مورد مال مرهونه) در اولویت پرداخت قرار می‌گیرد. این اولویت بر مبنای سیاست‌های اجتماعی، حمایتی و عمومی قانونگذار تعیین می‌شود. انواع طلبکاران ممتاز و اولویت آنها (ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی و برخی قوانین خاص) عبارتند از:

۵-۳-۱-۱. هزینه‌های کفن و دفن (اولویت اول)

هزینه‌های کفن و دفن مدیون ورشکسته و افراد واجب‌النفعه او، در اولویت مطلق قرار دارند و حتی مقدم بر سایر طلبهای ممتاز محسوب می‌شوند. (قانون مدنی، ماده ۸۶۹)

۵-۳-۱-۲. هزینه‌های مربوط به حفظ و اداره اموال مدیون (اولویت دوم)

هزینه‌های نگهداری از اموال، دستمزد مدیر تصفیه، کارشناس و... برای حفظ دارایی مدیون صرف شده‌اند و در حقیقت به نفع همه طلبکاران هستند. این هزینه‌ها گاهی حتی مقدم بر بند ۱ هستند. (قانون امور حسبی، ماده ۲۲۵)

۵-۳-۱-۳. حقوق کارگران و کارمندان (اولویت سوم)

حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان برای مدت معین (معمولاً شش ماه آخر خدمت) و همچنین مزایای پایان کار و پاداش و... دارای اولویت بالایی هستند. این اولویت از اهمیت اجتماعی و حمایتی از نیروی کار نشأت می‌گیرد. (قانون مدنی، ماده ۸۶۹ و قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۲۲۶)

۵-۳-۱-۴. مطالبات دولت (اولویت چهارم)

مطالبات دولت مانند مالیات، عوارض و جرایم دولتی. دولت به عنوان حافظ منافع عمومی و تأمین‌کننده خدمات عمومی، مطالبات خود را دارای اولویت می‌داند.

۵-۳-۱-۵. مطالبات ناشی از خدمات پزشکی و درمانی

در برخی قوانین، مطالبات پزشکان، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها بابت خدمات ارائه شده به مدیون و خانواده‌اش نیز دارای اولویت شناخته شده است. (قانون مدنی، ماده ۸۶۹ و قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۲۲۶) (یوسفی صادقلو و دیگری، ۱۴۰۰، ص ۱۴ و ۱۵)

۵-۳-۱-۶. نفقه زوجه و اقارب

مطالبات مربوط به نفقه زن و فرزندان و سایر افراد واجب‌النفعه. هرچند در قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، به نفقه زوجه با صراحت اشاره شده است، اما نفقه فرزندان و اقارب، در قانون تصفیه صراحتاً در دسته ممتاز اصلی قرار نگرفته و بحث‌برانگیز

است، اما در رویه قضایی مورد تأکید است، و عموماً در ورشکستگی در اولویت قرار می‌گیرد. (قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، ماده ۵۸)

۵-۳-۱-۷. مطالبات بابت ودیعه، بیمه و اجاره

در برخی موارد خاص، مطالبات ناشی از ودیعه مسکن یا بیمه یا اجاره اموال خاص (تا سقف معین) نیز ممکن است دارای اولویت باشند. (همان)

نکات مهم در حقوق موضوعه در رابطه با طلبکاران ممتاز این است که اولویت طلبکاران ممتاز صرفاً بر اساس نص صریح قانون تعیین می‌شود. این اولویت فقط نسبت به اموال غیروثیقه‌ای و مازاد اموال وثیقه‌ای است. ترتیب بین خود طلبکاران ممتاز نیز توسط قانون تعیین می‌شود و از اهمیت بالایی برخوردار است.

۵-۳-۲. طلبکار ممتاز در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، مفهوم طلبکار ممتاز به معنای حقوقی آن (که در قانون تجارت و ورشکستگی مطرح است) به طور مستقیم وجود ندارد. فقه بیشتر بر اساس اقتضای مساوات (یعنی همه طلبکاران در عرض هم قرار دارند و باید به نسبت طلب خود از دارایی مدیون سهم ببرند) تأکید دارد، مگر اینکه نص خاص شرعی یا دلیل معتبری برای تقدیم یک طلب بر دیگری وجود داشته باشد. با این حال، می‌توان برخی موارد را که در فقه به نوعی اولویت یا حق تقدم دارند، مورد بررسی قرار داد و آن‌ها را با مفهوم طلب ممتاز در حقوق مقایسه کرد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۳۹۵ و نجفی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۸۴). در مباحث گذشته با تفصیل بیشتری به مصادیق طلبکار ممتاز در فقه پرداختیم و در اینجا تنها به ذکر عناوین اصلی اکتفا می‌کنیم:

هزینه‌های تجهیز میت (کفن و دفن)، دیون مربوط به ذات میت (حقوق الله، مثل زکات، خمس، حج، کفارات)، دیون مربوط به عین مال (حقوق الناس، مثل حق نفقه زوجه و اقارب)، دستمزد اجیر و کارگر (اجرت‌المثل) و دیون ناشی از معاملات فاسد (ضمان). (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، ص ۳۹۵)

نکات مهم در محل بحث این است که بر خلاف حقوق موضوعه، در فقه طبقه‌بندی جامع و سیستمی از طلبکاران ممتاز با اولویت‌های دقیق وجود ندارد. موارد اولویت‌دار بیشتر به صورت استثنا و بر مبنای نصوص خاص یا قواعد عمومی (مانند قاعده تقدیم حق بر عین) مطرح می‌شوند. در فقه، تمایز بین این دو نوع حق بسیار مهم است و غالباً حقوق الله بر حقوق الناس مقدم دانسته می‌شود، به ویژه در مورد ترکه میت.

۶. نتیجه‌گیری

مقاله حاضر موقعیتی طلبکاران با وثیقه را در برابر طلبکاران ممتاز از منظر فقه و حقوق بررسی و تحلیل کرده است. در شرایطی که اموال مدیون برای تأدیه کل دیون کافی نباشد و تعارض منافع میان طلبکاران وثیقه‌دار و ممتاز وجود داشته باشد، احکام فقهی و حقوقی متفاوت و گاه متضاد در زمینه نخستویت وصول طلب‌ها ظاهر می‌شود. در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه، اصل تقدم حق مرتبه (طلبکار با وثیقه عینی تبعی بر مال مدیون) نسبت به سایر طلبکاران محترم شناخته شده است، با این حال قلمرو و حدود این تقدم در هر یک از دو نظام متفاوت است. از سوی دیگر، طلبکاران ممتاز که به دلایل مصالح عمومی، حمایت از اقشار خاص یا حفظ نظم اجتماعی دارای تقدم خاص هستند، در فقه و حقوق جایگاهی ویژه دارند.

مباحث فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که باوجود پایه‌های مشترک در مشروعیت وثیقه و تقدم طلبکاران ممتاز، تفاوت در تعریف، قلمرو و سازوکار اجرای اولویت‌ها وجود دارد که گاهی باعث تعارض و ابهام در فرآیند وصول طلب‌ها می‌گردد. راهکارهایی همچون تطابق قوانین با مبانی فقهی و حقوقی، شفاف‌سازی مقررات، حفظ حقوق اقشار آسیب‌پذیر و تأمین عدالت و کارایی بیشتر در وصول مطالبات، از مهم‌ترین پیشنهاد‌های این مقاله است. از این رو، لازم است با توجه به اهمیت اقتصاد و عدالت اجتماعی، هماهنگی بیشتری میان قواعد فقهی و حقوقی برقرار شود تا ضمن حفظ حق تقدم طلبکاران با وثیقه، حقوق طلبکاران ممتاز و حمایت از حقوق عامه به طور متوازن و عادلانه فراهم گردد. این رویکرد نه تنها امنیت قضایی و اقتصادی ایجاد می‌کند، بلکه به توسعه اقتصادی و افزایش اعتماد در بازارهای مالی کمک می‌نماید. در نهایت، این پژوهش گامی در جهت شناخت دقیق‌تر و حل تعارضات میان این دو گروه طلبکار است و می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات و اصلاحات حقوقی و فقهی به‌روزتر و کاربردی‌تر در نظام حقوقی ایران باشد.

منابع

قرآن کریم

الف. منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. امامی، سید حسن، ۱۳۷۴، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، ۶ جلد.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
۳. خزاعی، حسین، ۱۳۸۵، حقوق تجارت، تهران، مؤسسه نشر قانون.
۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۳، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ درس‌هایی از عقود معین، تهران: گنج دانش، ۴ جلد.
۵. معین، محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی متوسط، چاپ ۲۳، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقالات

۱. ایزانلو، محسن و میرشکاری، عباس، ۱۳۹۱، طلب ممتاز، دیدگاه‌های حقوقی زمستان ۱۳۹۱ شماره ۶۰، صص ۳۷-۶۸.
۲. کرمی، مسعود و نقیبی، ابوالقاسم، ۱۴۰۰، انواع، آثار و مسئولیت ناشی از حق تقدم، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای فقه، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۰۲-۱۲۶.
۳. میرشکاری، عباس، ۱۳۹۵، وثیقه حکمی، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۴، آذر ۱۳۹۵، صص ۱۲۷-۱۴۸.
۴. یوسفی صادقلو، احمد و رجبی، الهام، ۱۴۰۰، بررسی جایگاه دیون ممتاز بدهکاران در قوانین مدنی و تجاری و رویه‌ی قضایی، فصلنامه قضاوت سال ۲۱ تابستان ۱۴۰۰ شماره ۱۰۶ - ۱۷

قوانین

۱. قانون اجرای احکام مدنی
۲. قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
۳. قانون امور حسبی
۴. قانون تجارت
۵. قانون کار
۶. قانون مالیات‌های مستقیم
۷. قانون مدنی

ب. منابع عربی

۱. ابن فارس، أبی الحسین أحمد بن فارس بن زکریّا، ۱۴۰۴ هـ.ق، معجم مقاییس اللغة، مرکز النشر- مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۴۰۵ ق، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، مصحح: محمد تقی ایروانی، سید عبدالرزاق مقرر، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ هـ.ق، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳۰ جلد، چاپ اول، قم.
۴. خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه دار العلم، چاپ اول، (۲ جلد).
۵. خمینی، سید روح الله موسوی، ۱۴۲۱ هـ.ق، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، چاپ اول، ۵ جلد.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ هـ.ق، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، (۱۵ جلد)، چاپ اول، قم.
۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ هـ.ق، المبسوط فی فقه الإمامیه، مصحح: سید محمد تقی کشفی، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، تهران.
۸. طباطبایی حکیم، سید محسن، ۱۴۱۶ ق، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ ج، ۱، قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۹. محقق حلّی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ هـ.ق، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مصحح: عبد الحسین محمد علی بقال، مؤسسه اسماعیلیان (۴ جلد)، چاپ دوم، قم.
۱۰. نجفی، محمد حسن، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، مصحح: شیخ عباس قوچانی بیروت، دار إحياء التراث العربی، (۴۳ جلد)، چاپ هفتم.